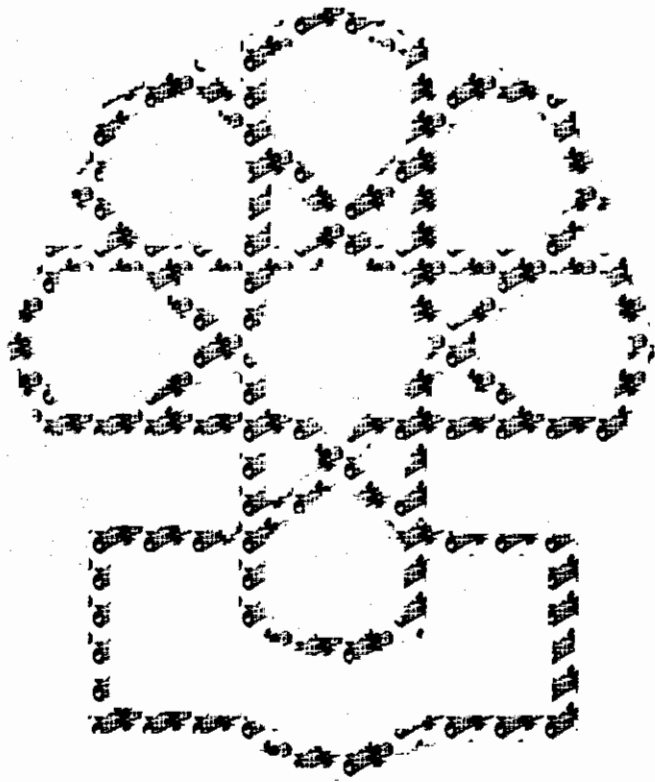




# حوزه و دانشگاه

شناخت زمینه‌ها و کارکردهای متقابل



معاونت پژوهشی  
آذر ۱۳۷۵

کار: دفتر مطالعات سیاسی و اجتماعی

کد گزارش: ۴۰۰۱۹۵۹

مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه مرکزی اسناد و اطلاع‌رسانی مارا  
شماره: ۴۰۹۹  
تاریخ: ۷، ۱۱، ۷۵

حوزه و دانشگاه  
شناخت زمینه‌ها و کارکردهای متقابل

کد گزارش: ۴۰۰۱۹۵۹

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۲	فصل اول: مروری بر مفاهیم
۲	حوزه
۳	دانشگاه
۳	وحدت حوزه و دانشگاه
۳	فصل دوم: وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)
۴	دانشگاه و حوزه علمی، مراکز ترقی یا انحطاط کشور
۴	حوزه و دانشگاه؛ منشأ همه سعادت‌های مادی و معنوی
۴	حوزه و دانشگاه؛ مراکز انسان‌سازی
۴	اهمیت ویژه حوزه و دانشگاه
۴	ضرورت تهذب در حوزه و دانشگاه
۵	ضرورت قیام در برابر جاهلان متنسک و عالمان متهتک
۵	اتحاد حوزه و دانشگاه؛ ضرورت عصر حاضر
۵	ضرورت تلاش برای استحکام پیوند حوزه و دانشگاه
۵	ترس دشمنان از وحدت حوزه و دانشگاه
۶	فصل سوم: وحدت از دیدگاه مقام معظم رهبری
۶	وحدت، زمینه‌ساز همکاری و استفاده از تجارب
۶	معنای وحدت
۶	وحدت، موضوعی فراتر از همکاری
۷	حوزه و دانشگاه در مسیر پاسخگویی به نیازهای جامعه
۷	هدف از وحدت
۷	فصل چهارم: موانع ایجاد وحدت
۷	فصل پنجم: محاسن و معایب نظام آموزشی حوزه
۷	محاسن
۸	معایب
۹	فصل ششم: محاسن و معایب نظام آموزشی دانشگاه
۹	محاسن
۹	معایب
۱۰	فصل هفتم: رهیافت‌ها

به اجمال می‌توان گفت آغاز طرح این مسئله به زمان پیدایش نظام آموزشی نوین به سبک جدید و الگو گرفته از غرب باز می‌گردد. از آنجا که در پیشینه فرهنگی ما، حوزه‌های دینی هم پایگاه علم و هم جایگاه دین بودند و عالمان، از فقیه و طبیب، منجم و ریاضیدان، همه عالم را از نظرگاه دین می‌نگریستند و رنگ و روی عالم در چشم همه یکی بود و در یک مسیر گام می‌زدند، هر شائبه ستیز علم و دین به سرینجه تدبیر دین مداران عالم زده می‌شد و باز وفاق دیرین برقرار می‌گشت.

به تدریج، جامعه محتاج علمی شد غیر از آنچه در حوزه‌ها تدریس می‌شد و دیگر آموزش علوم حوزوی به تنهایی نمی‌توانست پاسخگوی همه خواسته‌های جامعه باشد. از این رو و با توجه به این نیاز، نظام آموزشی نوین در این کشور پا می‌گرفت و چون برای پرکردن این خلأ تمدنی، افرادی برای تحصیل به خارج اعزام می‌شدند، به هنگام بازگشت، فرهنگ مسموم بیگانه را نیز با خود به ارمغان می‌آوردند. اینجا بود که مغالطه‌ای تاریخی شکل گرفت و نزاع «علم و دین» که محصول جوامع مسیحی بود، بدون هیچ زمینه و خاستگاهی یکباره با همه شاخ و برگش وارد شد و رخ نمود. دانشوران و دینداران در مقابل هم ایستادند و لباس رزم پوشیدند و گروهی نیز در این میان آتش بیار این نزاع شدند و به این ستیز که آن را به نفع خویش نیز می‌دانستند، دامن زدند.

این ستیز همچنان ادامه یافت تا آن که پس از پیروزی انقلاب اسلامی این مغالطه افسانه‌ای به طاق نسیان کوفته شد و در روز بیست و هفتم آذرماه، روزی که خون یک روحانی دانشگاهی (شهید مفتاح) گلستان وحدت را آبیاری کرد، به فرمان امام راحل (ره) اندیشه و انگیزه وحدت حوزه و دانشگاه اعلام و پیگیری شد. اکنون که ۱۷ سال از این رویداد می‌گذرد، بر آنیم تا با نگاهی دقیق و موشکافانه و در عین حال مجمل و فشرده و بدون در نظر گرفتن مسائلی که بیشتر جنبه شعاری دارند، زوایای این امر را بررسی کنیم و ضمن گذاری از تعاریف و با آشنایی و سرلوحه کار قرار دادن رهنمودهای امام (ره) و مقام معظم رهبری، محاسن و معایب هر یک از نظام‌های آموزشی حوزه و دانشگاه را بررسی نماییم و سرانجام به فضل خدا به رهیافت‌هایی مناسب و کارآمد برای حصول این منظور نایل شویم.

## فصل اول: مروری بر مفاهیم

### حوزه

مجموعه‌ای از مدارس مذهبی که عمدتاً در دو شهر مقدس مشهد و قم واقع شده‌اند. حوزه قم تا همین اواخر، زیر نظر «شورای مدیریت حوزه» اداره می‌شد، اما اخیراً مجموعه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری از مدیریت جدا شده و کار سیاستگذاری بر عهده «شورای عالی» گذارده شده و مدیریت نیز، اجرای تصمیم‌ها را به عهده گرفته است.

البته از قبل نیز گروهی از اساتید، سازمانی را به نام «جامعه مدرسین» تشکیل داده‌اند که این افراد خود صاحب نظر بوده و مستقل از شورا تصمیم‌گیری و عمل می‌نمایند. مؤسسات فرهنگی و تبلیغی بسیاری در حوزه وجود دارد که مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و شورا بر این مؤسسات نیز اعمال مدیریت ندارد و

فعالیت‌های‌شان نیز از هماهنگی خاصی برخوردار نیست. آخرین عضو خانواده حوزه، طلاب‌اند که بخش اعظم حوزه شامل همین گروه است.

## دانشگاه

مراکز آموزش عالی معاصر، «دانشگاه» نام می‌گیرند. در ایران، اندیشه تأسیس مراکز نوین آموزش عالی در عصر قاجار و توسط «میرزا تقی خان امیر کبیر» مطرح شد. وی «دارالفنون» را به همین منظور در سال ۱۲۲۷ ش تأسیس نمود. در راستای توسعه آموزش عالی کشور، «وزارت علوم» در سال ۱۲۷۲ تأسیس گردید. دانشگاه اکنون از بخش‌های مختلفی تشکیل می‌شود؛ بخش سیاست‌گذاری که به عهده «شورای عالی انقلاب فرهنگی» است. مدیریت که به عهده وزارتخانه و رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها می‌باشد. بخش‌های پژوهشی که «مرکز نشر دانشگاهی»، «جهاد دانشگاهی» و «پژوهشگاه علوم انسانی» عهده دار پاره‌ای از وظایف آن هستند. بخش‌های سیاسی دانشگاه نیز انجمن‌های اسلامی و جمعیت‌های دانشجویی می‌باشند.

## وحدت حوزه و دانشگاه

وحدت میان حوزه و دانشگاه در قلمرو مسائل مختلفی قابل طرح و وصول است که اهم آنها به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

- ۱- وحدت در مبانی فکری، معرفتی و فرهنگی؛
  - ۲- وحدت در اهداف عالی (سازندگی، تربیت و هدایت جامعه)؛
  - ۳- وحدت علمی (به خصوص در رشته‌های علوم انسانی و انعکاس نظرات اسلام در این زمینه‌ها از طریق منابع درسی به دانشگاه و حوزه)؛
  - ۴- وحدت سیاسی و اجتماعی (موضعگیری و عملکرد واحد در مقابل حرکت‌های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی)؛
  - ۵- وحدت سازمانی (مدیریت واحد در سیاست‌گذاری‌ها، اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی، حضور در مراکز یکدیگر برای آشنایی و ارتباط و هم‌دلی و همفکری).
- شایان ذکر است که وحدت در مبانی فکری و اعتقادی، پایه وحدت‌های دیگر به شمار می‌رود. این وحدت است که انگیزه علمی واحد و اهداف انسانی واحدی را به دنبال داشته و می‌تواند ما را در رسیدن به وحدت‌های دیگر رهنمون باشد.

## فصل دوم: وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) به عنوان بانی وحدت حوزه و دانشگاه، اهمیت فراوانی برای اقشار روحانی و دانشگاهی قائل بوده و به وحدت این دو قشر تأکید خاصی می‌ورزیدند. برخی از اندیشه‌های مهم امام امت (ره) در این زمینه به شرح زیر است:

### دانشگاه و حوزه علمیه، مراکز ترقی یا انحطاط کشور

امام خمینی (ره) در مورد نقش دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه در ترقی یا انحطاط کشور می‌فرماید:  
«... دانشگاه و حوزه‌های علمیه روحانیون می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفت‌های کشور و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرفات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر متعهد بیرون می‌آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه‌های علمیه مهذب باشند و متعهد باشند، یک کشوری را می‌توانند نجات بدهند...»<sup>۱</sup>

### حوزه و دانشگاه؛ منشأ همه سعادت‌های مادی و معنوی

امام امت (ره) در مورد نقش حوزه و دانشگاه در سعادت یا گرفتاری کشور می‌فرماید:  
«... منشأ همه گرفتاری‌های یک کشور از دانشگاه است و حوزه‌های علمی و منشأ همه سعادت‌های مادی و معنوی از دانشگاه هست و حوزه‌های علمی...»<sup>۲</sup>

### حوزه و دانشگاه؛ مراکز انسان‌سازی

امام خمینی (ره) در مورد نقش حوزه‌ها و دانشگاه‌ها در امر انسان‌سازی می‌فرماید:  
«... باید از حوزه‌های علمیه یک عالمی به تمام معنا متعهد بیرون بیاید و مرکز ساخت انسان باشد و دانشگاه هم مرکز ساخت انسان. ما انسان دانشگاهی می‌خواهیم، نه معلم و دانشجو...»<sup>۳</sup>

### اهمیت ویژه حوزه و دانشگاه

امام امت (ره) در مورد اهمیت ویژه حوزه دانشگاه می‌فرماید:  
«... مسئله حوزه‌های علمیه فقهتی و مسئله دانشگاه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا به منزله مواد خام و مقدرات یک ملت و کشور هستند. این دو مقام، مرجع نشر حقایق اسلام و مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر مسائل مورد ابتلای کشور می‌باشند...»<sup>۴</sup>

### ضرورت تهذب در حوزه و دانشگاه

امام خمینی (ره) در مورد ضرورت تهذب در حوزه و دانشگاه می‌فرماید:  
«... آن قدر که کشور از دانشگاه و فیضیه صدمه دیده است، از جاهای دیگر ندیده است. باید هر دوی اینها مهذب باشند و علمای اسلام و اساتید دانشگاه با هم پیوند داشته باشند، تفاهم داشته باشند که این دو محل را محل اسلامی کنند و معلم‌هایی که انتخاب می‌شوند در دانشگاه به خصوص در سایر جاها، معلم‌های متعهد باشند و معلم‌هایی باشند که نه فکر آنها طرف شرق باشد و نه دست آنها طرف غرب دراز باشد...»<sup>۵</sup>

۱. صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۰۶.  
۲. همان، ص ۲۰۷.  
۳. همان، ص ۲۰۹.  
۴. صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۲۳۳.  
۵. صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱۱۳.

## ضرورت قیام در برابر جاهلان متنسک و عالمان مهتک

امام امت(ره) در مورد ضرورت قیام در برابر جاهلان متنسک و عالمان مهتک می فرماید:  
«...هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق به پا خیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان مهتک که از روی علم و عمل به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید...»<sup>۱</sup>

## اتحاد حوزه و دانشگاه؛ ضرورت عصر حاضر

امام خمینی(ره) در مورد ضرورت اتحاد حوزه و دانشگاه در عصر حاضر می فرماید:  
«...طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند. فرزندان بسیجی‌ام در این مراکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اعتماد و یگانگی احتیاج دارند...»<sup>۲</sup>

## ضرورت تلاش برای استحکام پیوند حوزه و دانشگاه

امام امت(ره) در وصیت نامه الهی - سیاسی خویش در مورد ضرورت تلاش برای استحکام پیوند حوزه و دانشگاه می فرماید:

«...توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند و به مجرد آن که فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود درصدد است بذر نفاق بین آنان افکند، او را ارشاد و نصیحت نمایند و اگر تأثیر نکرد، از او روگردان شوند و او را به انزواکشانند...»<sup>۳</sup>

## ترس دشمنان از وحدت حوزه و دانشگاه

امام خمینی(ره) در مورد ترس دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی از وحدت حوزه و دانشگاه می فرماید:  
«... اینهایی که نمی‌خواهند یک کشور صحیح و سالم باشد و ارباب‌های آنها که از اول هم نمی‌خواستند، نمی‌توانند ببینند که شما با هم مجتمع شده‌اید و می‌خواهید با هم کار کنید. آنها عواقب این امر را برای خودشان می‌دانند که اگر حقیقتاً دانشگاهی و حوزه‌های علمی و همه دانشگاه‌ها در هر جا که هستند، اینها با هم بشوند و با هم نقشه داشته باشند برای پیروز کردن انقلاب، این برای آنها عواقبی دارد...»<sup>۴</sup>

## فصل سوم: وحدت از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز مانند بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، اهمیت خاصی برای روحانیان و دانشگاهیان قائل بوده و به امر وحدت حوزه و دانشگاه عنایت ویژه‌ای دارند. برخی از آرای

۱. صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۲۰.

۲. صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۵۳.

۳. همان، ص ۱۸۳.

۴. صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۲۱۲.

مهم مقام معظم رهبری در این زمینه به شرح زیر است:

وحدت، زمینه‌ساز همکاری و استفاده از تجارب  
مقام معظم رهبری در مورد آثار وحدت حوزه و دانشگاه در همکاری مشترک و استفاده آنها از تجارب  
یکدیگر می‌فرمایند:

«...وحدت روحانی و دانشگاهی بیش از هر چیز، وحدت دل‌ها، انگیزه‌ها، هدف‌ها و ایده‌ها را بر مبنای  
کمک به هم و استفاده از تجربیات یکدیگر به وجود می‌آورد...»<sup>۱</sup>

### معنای وحدت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد معنای وحدت حوزه و دانشگاه می‌فرمایند:

«... اما وحدت حوزه و دانشگاه یعنی چه؟ آیا مقصود این است که برنامه‌های حوزه را در دانشگاه، یا  
برنامه‌های دانشگاه را در حوزه اجرا کنیم؟ یقیناً مقصود اینها نیست و حوزه یک علمی و درس‌هایی  
دارد که البته هر کدام باید روش‌های خود را از همدیگر کامل کنند و از تجربه‌های یکدیگر بهره‌مند  
شوند. در این بحثی نیست، لکن وحدت حوزه و دانشگاه یعنی وحدت در هدف و حرکت همه به سوی  
یک جامعه اسلامی پیشرفته و مستقل. جامعه امام، جامعه پیش‌آهنگ، جامعه الگو و ملت شاهد، یعنی  
ملتی که ملت‌های دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند...»<sup>۲</sup>

### وحدت، موضوعی فراتر از همکاری

مقام معظم رهبری در مورد چگونگی وحدت حوزه و دانشگاه می‌فرمایند:

«...مسئله وحدت حوزه و دانشگاه که امام (ره) مطرح کردند، مراد همکاری حوزه و دانشگاه نیست، اگر  
چه همچنان که گفتیم امروز همکاری حوزه و دانشگاه را معنا خواهد داد، یعنی امروز چاره دیگری  
نداریم، چون حوزه‌های علمی خیلی از علوم دنیایی جدا شده‌اند، یا به تعبیر دیگر، علوم مربوط به  
زندگی جسمی مردم و دانشگاه‌ها به کلی از علوم دینی و علوم الهی و اسلامی منفک شده‌اند و لذا  
سال‌ها طول می‌کشد و باید اینها همکاری‌های مستمری با هم داشته باشند تا زمینه به وجود آمدن یک  
مجتمع عظیم فراهم شود که در آن دین و دنیای مردم هر دو با هم تدریس شود و مردم با جهت‌گیری‌های  
انسانی صحیح دانش بیاموزند...»<sup>۳</sup>

### حوزه و دانشگاه در مسیر پاسخگویی به نیازهای جامعه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد وظایف حوزه و دانشگاه در مسیر پاسخگویی به نیازهای جامعه  
می‌فرمایند:

«...ما دو نهاد اصیل دانشجویی داریم: یکی متوجه به کسب علوم مربوط به فهم دین و تبلیغ دین و  
نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسائل روز به روز حادث شونده برای زندگی است و این

۱. ۱۳۶۶/۹/۲۹. ۱

۲. ۱۳۶۹/۹/۲۸. ۲

۳. ۱۳۶۸/۱۳. ۳

حوزه است که کارش عبارت از تحقیق در مسائل دینی و فراگرفتن احکام الهی در همه شئون زندگی است... یک نهاد دانشجویی دیگر داریم که این نهاد دانشجویی ناظر بر اراده امور زندگی مردم منهای مسائل مربوط به دین مردم است. مردم معاش دارند، کسب دارند، ساختمان دارند، راه دارند، جسم دارند، شناسایی‌های گوناگون لازم است، تحقیق در امور زندگی مردم لازم است...<sup>۱</sup>

### هدف از وحدت

مقام معظم رهبری در مورد هدف از وحدت حوزه و دانشگاه می‌فرمایند:

«...می‌خواهیم با وحدت روحانی و دانشجویی، علم دین با بصیرت دنیا و علم دنیا با جهتگیری دینی توأم بشود...»

### فصل چهارم: موانع ایجاد وحدت

برخی از موانع موجود فراراه وحدت حوزه و دانشگاه را می‌توان به ترتیب زیر بر شمرد:

- ۱- نداشتن هدف مشترک: مادامی که حوزه‌ها تنها به معنویت دعوت کنند و به امور روزمره و جاری کاری نداشتن باشند و از طرف دیگر، دانشگاه‌ها هم فقط به دنبال یک زندگی راحت باشند، مشکل می‌توان بین آن دو یک وحدت و تفاهم ایجاد کرد.
- ۲- نداشتن درک و زبان مشترک: اگر زبان این دو نهاد به هم نزدیک نشود و بنای گفتگوها و بحث‌های میان آن دو بر درک واقعیت‌ها نباشد به وحدت میان آنها نخواهیم رسید و چون درک مشترکی ندارند و درد یکسانی هم ندارند، هر یک به راه خود می‌روند.
- ۳- نداشتن آگاهی و آشنایی از یکدیگر: به طور معمول کسانی که در حوزه و دانشگاه تحصیل می‌کنند، نیازی به آشناسدن با یکدیگر و در نتیجه، تفاهم و نزدیکی با هم را احساس نمی‌کنند.

### فصل پنجم: محاسن و معایب نظام آموزشی حوزه

نظام آموزشی کنونی حوزه دارای محاسن و معایبی است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### محاسن

تعدادی از محاسن نظام آموزشی حوزه عبارت است از:

- ۱- اخلاص در تدریس و تحصیل، یکی از ویژگی‌های آموزش حوزه است. در حوزه، درس یک عبادت و وظیفه دینی تلقی می‌شود، نه وسیله کسب و کار. استادی که درس عمومی دارد و برای صدها طلبه درس می‌گوید یا درس خصوصی دارد و برای شاگردان معدودی درس می‌دهد، هرگز در برابر تدریس خود چیزی از شاگرد طلب نمی‌کند.
- ۲- در این نظام آموزشی، استاد و شاگرد هر دو جلسه درس را مقدس دانسته و معمولاً خود را مقید می‌کنند تا

با وضو در کلاس درس حاضر شوند.

۳- حوزه، محل مناسبی برای پرورش روح عقلانی دانش پژوهان است. وجود اشکال و جواب‌های دقیق و حتی با احتمال بسیار ضعیف در کتاب‌های درسی باعث می‌شود که روحیه نقد و بررسی نسبت به گفته‌های دیگران در طلبه پدید آید و هر دلیلی را دقیقاً مورد بررسی قرار دهد.

۴- استمرار و کثرت مطالعه و پیش مطالعه.

۵- دقت بسیار در متون.

۶- آزادی در انتخاب استاد.

۷- وجود رابطه عاطفی بین استاد و شاگرد.

### معایب

از معایب نظام آموزشی حوزه در موقعیت کنونی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- متأسفانه هنوز در نظام آموزشی حوزه تنها فقه و اصول محور قرار دارد و بسیاری دیگر از علوم اسلامی ارزش و جایگاه اصلی خود را نیافته‌اند. به عنوان مثال هنوز «نهج البلاغه» آن گونه که باید و شاید جایگاه خود را در حوزه به عنوان یک ماده درسی نیافته است.

۲- نظام تحقیق و پژوهش در حوزه‌ها فردی است و هر کس به اتکای معلومات خود به کاری مشغول می‌شود که در نتیجه در بسیاری از موارد، پختگی یک کار جمعی را نخواهد داشت.

۳- آشنایی با زبان و دیگر علوم روز به خصوص علوم انسانی متداول روز یا اصلاً وجود ندارد یا در سطح بسیار پایین و ابتدایی قرار دارد. البته تعداد محدود و محدودی از مدارس از این قاعده کلی مستثنی هستند.

۴- وجود نقص و ضعف در برنامه‌های آموزشی و متون درسی که در بسیاری از موارد محتاج دگرگونی است.

۵- تکرار مطالب درسی در پایه‌های مختلف.

۶- گرایشی و تخصصی نبودن علوم حوزوی.

۷- وجود تعطیلات زیاد در حوزه.

۸- عدم همگامی و وجود فاصله عمیق بین ورودی و خروجی حوزه. اساساً باید گفت خروجی حوزه و محصول فعالیت‌های حوزه، تحت هیچ برنامه‌ای ارائه نمی‌شود. در مورد خروجی حوزه نیازهای جامعه مورد نظر نبوده و طلاب، هر یک مطابق ذوق و سلیقه شخصی خود عمل می‌کنند و باید گفت هم اینک تعداد بسیاری از طلاب هستند که نه به کسب علم اشتغال دارند و نه اشتغال دیگری و در حوزه سرگردان‌اند.

### فصل ششم: محاسن و معایب نظام آموزشی دانشگاه

نظام آموزشی کنونی دانشگاه نیز همچون نظام آموزشی حوزه دارای محاسن و معایبی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

## محاسن

تعدادی از محاسن نظام آموزشی دانشگاه عبارت است از:

- ۱- بسیاری از فعالیت‌های تحقیقی و پژوهشی جنبه جمعی دارد که این نکته از نقاط روشن و مثبت نظام دانشگاهی است. در این نظام، محقق سعی می‌کند کار خود را تحت نظر اساتید زبده انجام دهد و از این که از نظرات دیگران استفاده کند، استقبال می‌نماید.
- ۲- نظام آموزشی در دانشگاه از نظم و هماهنگی مطلوب تری نسبت به حوزه برخوردار است.
- ۳- نظام آموزشی دانشگاه در مقیاس با نظام آموزشی حوزه، همگامی بیشتری با نیازهای جامعه دارد.
- ۴- در نظام دانشگاهی وقتی دانشجویی وارد دانشگاه می‌شود، مسیر کار تا انتها برای او روشن است و می‌داند که چه مراحل و مراتبی را باید طی کند و به کجا برسد و معمولاً هماهنگی مناسب و مطلوبی بین ورودی و خروجی از دانشگاه وجود دارد.

## معایب

از معایب نظام آموزشی دانشگاه در مقطع کنونی می‌توان موارد ذیل را بر شمرد:

- ۱- در نظام آموزشی کنونی دانشگاهی تقریباً می‌توان گفت یک دانشجو از ورود به دانشگاه و طی راه حل مختلف آن هدفی جز ارتقای سطح خود به منظور دستیابی به شغلی مناسب را در نظر ندارد و اهداف معنوی و انسانی منظور نظر وی نمی‌باشد. طبیعی است که این هدف چگونگی فعالیت او را پس از خروج از دانشگاه شکل می‌دهد و آن هدف طبعاً چیزی جز تأمین منافع شخصی نخواهد بود.
  - ۲- دانشگاه اکنون به دبیرستانی بزرگ تبدیل شده است. یک سری درس‌ها در آن خوانده می‌شود، سپس حفظ شده و امتحان داده می‌شود و سرانجام مدرکی گرفته می‌شود، اما در آن از اندیشه زاینده و نوآوری خبری نیست. در اینجا می‌توان به رشد کمی و غول‌آسای دانشگاه‌ها نیز اشاره نمود که بر این ضعف در تولید اندیشه و نوآوری علمی، بیش از پیش می‌افزاید.
  - ۳- تحقیق که کوششی برای کشف حقایق علمی و اشاعه آن در میان مردم برای بهره‌مندی از آن است، رابطه مستقیمی با توسعه دارد. از این روست که کشورهای پیشرفته جهان، منابع انسانی و مالی فراوانی را به منظور انجام پژوهش‌های علمی در اختیار دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات پژوهشی قرار می‌دهند. حال آن که تعداد محققان در کشور ما بسیار اندک بوده و کم‌تر از ۱۰۰ نفر در هر یک میلیون نفر جمعیت است، در حالی که این میزان در کشورهای در حال توسعه، یک هزار نفر و در کشورهای توسعه یافته نزدیک به پنج هزار نفر در هر یک میلیون نفر جمعیت می‌باشد. از سوی دیگر، در حالی که حدود ۳۱/۵ درصد نیروی محقق بالقوه جهان از کشورهای در حال توسعه‌اند، ولی فقط ۱۴/۵ درصد نیروهای محقق بالفعل جهان در کشورهای در حال توسعه مشغول فعالیت تحقیقاتی هستند.
- به عبارت دیگر، کشورهای در حال توسعه فقط توانسته‌اند قریب به ۴/۲ درصد از نیروهای محقق بالقوه خود را در زمینه تحقیقات فعال سازند. در حالی که این نسبت در کشورهای توسعه یافته نزدیک به ۱۱/۴ درصد می‌باشد. بنابراین، می‌توان به صراحت اعلام کرد اگر چه در چند سال اخیر توجه بیشتری به مسئله پژوهش و تحقیق شده است، اما تا این مسئله بتواند جایگاه اصلی و ویژه خود را در نظام دانشگاهی باز یابد، راهی طولانی در پیش دارد و طبیعی است که این مسئله توجه و عنایت خاص مسئولان را می‌طلبد.

۱- به اعتقاد بسیاری از محققان و با توجه به نیازهای جامعه دینی، گریزی نیست از آن که مابه دو نهاد آموزشی و پژوهشی خاصی قائل باشیم که هر دو با حفظ استقلال خویش عازم یک مقصدند و بررسی دقیق «ارتباط علم و دین»، جایگاه اصلی هر یک را تعیین می‌کند. از این رو توجه به مسئله رابطه «علم و دین» ضروری است و حوزه و دانشگاه با همه اجزای درونی خویش می‌توانند به چنین انسجامی دست یافته و رابطه خود را معنا کنند. اگر بپذیریم که آشنایی با دستاوردهای علمی در جهان پرتحول، یک ضرورت است و این ضرورت از آن باب است که قدرت انطباق مصادیق با احکام را در شریعت، فراهم می‌آورد، بنابراین باید متوجه نقش ارزشمند کار متقابل حوزه و دانشگاه در تبیین مسائل دین و همچنین ارائه کارایی شریعت در جامعه باشیم. بدون پیوند این دو، تحقق آرمان‌های دینی در جامعه پرتحول امروزی، امری غیر مقدور به نظر می‌رسد.

در این راستا حوزه باید فاصله خود را از گردونه علمی روزگار خویش بکاهد و به دانش‌های مقدماتی این تأمل، چون فلسفه علم، فلسفه علوم اجتماعی، معرفت‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی دین و فلسفه دین اهمیت بیشتری بدهد و دانشگاه نیز به مسائلی مانند پشتوانه نظری مابعدالطبیعی نظریه‌ها و پیش‌فرض‌های آن، اهتمام بیشتری بورزد و این حقیقت مسلم را بپذیرد که محصولات خود راتقویت ایمانیات جامعه عرضه می‌کند. چیزی که نقطه مزیت جامعه ما را نسبت به جوامع گوناگون جهان امروز نشان می‌دهد.

۲- برای تحقق آرمان وحدت حوزه و دانشگاه، این دو نهاد علمی باید بتوانند ورای رشته‌های تخصصی خود ارائه رهنمود کنند و به رسالت خویش در پاسخگویی به نیازها توفیق یابند. از این رو نظام آموزشی در هر دو نهاد محتاج تأسیس علوم بین رشته‌ای است، یعنی در سطوح عالی، باید دوره‌های بین رشته‌ای ایجاد شوند و مسائل چند علم مختلف را از بیرون و درون و با دیدگاهی تطبیقی بررسی کنند. امروز در دنیا فارغ‌التحصیلان علوم بین رشته‌ای چون پزشکان مهندسی و فیزیکدان‌های فیلسوف و ...، صاحبان توفیق و نظریه‌پردازهای جدید هستند و علی‌رغم باور بسیار رایجی که در مورد استقلال رشته‌ای وجود دارد، تاریخ علم نشان می‌دهد که چه بسیار پیشرفت‌های جدی که از پیوند رشته‌های مختلف حاصل شده است.

۳- روش‌ها و سیاستگذاری‌های کلان در آموزش عالی حوزوی و دانشگاهی باید بانگرشی جامع نسبت به اهداف این دو نظام اتخاذ شوند. در این صورت حوزه و دانشگاه می‌توانند به هدف استراتژیک و سرنوشت ساز «تولید اندیشه و نوآوری علمی» که پشتوانه اصلی استقلال فرهنگی و مهم‌ترین عامل و زیربنای توسعه به شمار می‌روند نائل شوند.

۴- در طراحی نظام آموزشی حوزه و دانشگاه باید مسئله آشنایی و تفاهم میان این دو نهاد علمی مد نظر قرار گیرد. در دانشگاه باید دانشجویان با گذشته دینی خود و شخصیت‌ها و موضوعات دینی آشنا و نزدیک‌تر شوند و در حوزه نیز طلاب با نظام دانشگاهی و مسائل عصر و زمان خود و تحولات چشمگیر آنها به خوبی آشنا گردند.

۵- رساله‌های علمی حوزه و دانشگاه می‌توانند نقش مهمی در این راستا داشته باشند. این رساله‌ها می‌توانند

به مسائل ضروری بپردازند که روی آنها کم‌تر کار شده است. در تهیه رساله‌های کارشناسی ارشد و دکترا، دانشجویان و طلاب می‌توانند کار مشترکی را آغاز کنند. به این صورت که اطلاعات علمی و تخصصی هر یک، ضعف‌های طرف مقابل را جبران کند و در نهایت، کاری عرضه شود که در دو مجتمع حوزه و دانشگاه پذیرفته گردد و نیز بتواند به بعضی از ضرورت‌های عینی جامعه جوابی متقن و رسا دهد. مراکز علمی و پژوهشی کشور مانند مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به خوبی می‌توانند در این راستا مؤثر واقع شوند.

۶- اکنون که رهبر معظم اسلامی مسائل فرهنگی را در رأس تمامی امور کشور دانسته‌اند و این مسئله را به صراحت در فرامین و دیدارهای خود با اعضای «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، دانشجویان، حوزویان و دیگر اقشار، بارها و بارها مورد تأکید قرار داده‌اند. بی‌تردید تحقق این خواست در گرو فرهنگی شدن و اسلامی شدن دانشگاه‌هاست. چگونه می‌توان از فارغ‌التحصیلانی که از انگیزه‌های دینی و اعتقادی تهی هستند انتظار داشت تا نقشی بایسته در فرهنگی و اسلامی نمودن جامعه ایفا کنند.

از این رو در چنین شرایط حساس و کارسازی که یک لحظه تأمل سستی بی‌جا و عواقب وخیمی به همراه دارد، از حوزه‌ها و حوزویان انتظار می‌رود که چون همیشه مسئولیت خطیر خود را درک نموده و به انجام رسانند. اینک که مسائل فرهنگی، دانشگاهی و علمی که مسائل اساسی کشور است می‌روند تا جایگاه اصلی خود را باز یابند، حوزه و حوزویان باید به خوبی از این فرصت پیش آمده استفاده نمایند و ضمن راهگشایی در این مجال که در واقع جایگاه واقعی فعالیت‌ایشان است، از این بستر مناسب برای تقریب و تحقق این وحدت، بهترین استفاده را ببرند.